

نگاهی به تاریخ ادبیات برتلس

ابوالفضل خطیبی

تاریخ ادبیات فارسی (از دوران فردوسی تا پایان عهد سلجوقیان)، یوگنی ادواردوویچ برتلس، ترجمه سیروس ایزدی، ۳۶۲ صفحه، تهران، هیرمند ۱۳۷۴.

تاریخ ادبیات فارسی عنوان نخستین مجلد از برگزیده شش جلدی آثار برتلس، ایران‌شناس نامدار روسی است. این مجلد در دو بخش به قلم سیروس ایزدی به فارسی ترجمه شده که بخش اول آن (از دوران باستان تا عصر فردوسی) پیش‌تر انتشار یافته بود و بخش دوم (از فردوسی تا پایان عهد سلجوقیان)، که در این گفتار به معرفی آن می‌پردازیم، به تازگی منتشر شده است. برتلس در نظر داشت تاریخ ادبیات فارسی را از روزگار کهن تا سده نهم هجری / یازدهم میلادی بررسی کند، اما با مرگ او در ۱۹۵۷ م کارش ناتمام ماند. لذا پژوهش‌های این نویسنده از اوایل سده هفتم / سیزدهم فراتر نمی‌رود و در همان آغاز بررسی اشعار فریدالدین عطار نیشابوری رشته سخن بریده می‌شود. به رغم عنوان کتاب، باید گفت که این اثر پژوهشی است تنها در شعر فارسی و تقریباً به نثر فارسی اعتنایی نمی‌شود و اشارات پراکنده نویسنده به آثار منثور برخی دوره‌ها بسیار کوتاه و ناقص است. مثلاً، به هنگام سخن گفتن از نثر دوره غزنوی (ص ۱۷۱-۱۷۲) تنها از تاریخ یمنی (عربی) نگاشته ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی، و زین الاخبار گردیزی سخن به میان می‌آید و به تاریخ بیهقی، مهم‌ترین و برجسته‌ترین اثر تاریخی و ادبی آن عصر، حتی اشاره‌ای نمی‌شود.

این مجلد به ۵ بخش تقسیم شده است: ۱. سرنوشت داستان پهلوانی پس از فردوسی؛ ۲ و ۳. ادبیات نیمه اول و دوم سده یازدهم میلادی؛ ۴. ادبیات در متصرفات قره‌خانین؛ ۵. ادبیات سال‌های سیادت سلجوقیان.

برتلس، در این اثر، نخست ویژگی کلی زندگی ادبی هر دوره را در روزگار و بخش جغرافیایی مشخصی به دست می‌دهد و سپس به بررسی زندگی و آثار سخن‌سرایان برجسته آن دوره می‌پردازد و به ویژه سرچشمه‌های آن آثار را جست و جو می‌کند. گاهی نیز دیدگاه‌های پژوهش‌گران دیگر، خاصه ایران‌شناسان غربی، را به‌بوتۀ نقد می‌نهد که این خرده‌گیری‌های او گاه به معارضه‌جویی تندی نیز کشیده می‌شود (برای نمونه - ص ۲۶۱).

برتلس در ۱۸۹۰ م در سن پترزبورگ زاده شد و در اواخر دوره تزاری دانش‌اندوخت؛ اما آثار علمی خود را، که بیش از ۲۹۵ اثر پژوهشی - عمدتاً درباره ادب فارسی - است، در زمان چیرگی مکتب مارکسیسم لنینیسم و استالینیسم در شوروی به رشته تحریر در آورد. بنابراین، نخستین مایه‌های علمی برتلس در دوره تزاری شکل گرفت و توان گفت که او در زمره واپسین حلقه‌های نویسندگان و پژوهش‌گرانی بود که از محیط تحقیقی نسبتاً آزاد اندیشانه دوره تزاری به عرصه چیرگی مکتب یک‌سو نگرانه مارکسیسم لنینیسم پای نهادند و ناگفته پیداست که برتلس را باید از آن دسته از ایران‌شناسان شوروی که پس از انقلاب اکتبر، زیر تأثیر این مکتب بالیدند، متمایز دانست. چه، برخی از ایران‌شناسان دوره استالین، به جای آن که تجزیه و تحلیل‌های خویش را بر خود متون تاریخی و ادبی بنیاد نهند، با تزریق اندیشه‌ها و احکام جزمی به متون، به بررسی و ارزیابی داده‌ها می‌پرداختند. از همین رو، این تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها گاهی چنان از داده‌های موجود در متون گسسته که گویی بر آنها سنجاق شده است. اما پژوهش‌های برتلس از لونی دیگر است. او دانش‌مندی است با آگاهی‌های ژرف و گسترده که نه از پس عینک احکام جزمی به داده‌های تاریخی و ادبی می‌نگرد و نه اصول بنیادین مکتبی را به آن داده‌ها الصاق می‌کند؛ بلکه عینک او، فقط داده‌های منطبق با بنیادهای فکری مارکسیسم را برجسته می‌کند و در پژوهش‌هایش هر جا که ردپایی از این گونه داده‌ها بیابد، بدان سو جلب می‌شود. از این رو، این شیوه نگرش به داده‌ها و نبوغ برتلس سرد و گرم چشیده در عالم تحقیق، از او پژوهش‌گری ممتاز و واقع‌نگر ساخته که بی‌تردید از همکاران غربی‌اش

تمتایز است. مثالی بزنیم: دربارهٔ اسدی طوسی، سخن سرا و لغوی نامدار، اخبار منابع به حدی اندک و متناقض است که، به رغم تلاش‌های فراوان ایران‌شناسان، حتی زمان حیات او تا سال‌ها همچنان در پردهٔ ابهام مانده بود. در این عرصه پژوهش‌های ایران‌شناسان شوروی، همچون چایکین و برتلس، از تحقیقات همکاران غربی ایشان مانند آته و براون پرمایه‌تر است. برتلس، برای نخستین بار، بر دورهٔ مه‌آلود جوانی اسدی طوسی پرتوی تازه افکند؛ آن هم با کالبد شکافی یکی از مناظرات او به نام «عرب و عجم» - که سرانجام عجمی از این میدان پیروزمند بیرون می‌آید.

نام همین مناظره کافی است که برتلس را با آن مایه‌های ذهنی که پیش‌تر برشمردیم به پژوهشی بایسته برانگیزاند. در اینجا نگاهی گذرا به زنجیرهٔ استدلال‌های او می‌فکنیم: این مناظره در نوقان (یکی از دو ناحیهٔ طوس، زادگاه شاعر)، و برای عمید ابوجعفر محمد سروده شده است. سخن گفتن از بیزاری دهقان اشرافی ایرانی از عرب دام‌پرور اسدی را در جایگاه نمایان شعوبیه قرار می‌دهد. از آنجا که شاعر از قاتلان حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام با خشم سخن می‌گوید، می‌توان گفت که او گرایش‌نمایی نیز به تشیع داشته است. پس اسدی، با این افکار، نمی‌توانسته در دربار غزنویان به سر برده باشد و گویا ممدوح او از دهقانان زمین‌دار ایرانی بوده که شاعر در دستگاه او روزگار می‌گذرانیده است. اسدی احتمالاً مقارن یورش ترکمنان سلجوقی به خراسان در ۴۳۱ و بروز قحطی و خشک‌سالی در آن دیار که به دهقانان ضربه‌ای هولناک وارد آورد، طوس را ترک گفته است (بنگرید به ص ۱۶-۲۰).

بنابر این، برتلس با درنگ بر درون مایه‌های اصلی این مناظره، که مانند کهربا ذهن او را بدان سو کشانده است، برگوشهٔ تاریکی از زندگانی اسدی پرتوی افکنده یا دست‌کم طرح او از این دوره ما را به تأمل وا می‌دارد. دیدگاه‌های برتلس دربارهٔ زندگی و آثار شاعران دیگری چون مسعود سعد سلمان و نزاری قهستانی، که بیرون از محیط دربار پادشاهان آثاری پدید آورده‌اند و یا کم‌تر با دربار وابستگی داشته‌اند، جالب توجه و پراز نکات تازه است. البته این نکته نیز در خور یادآوری است که تحلیل‌های دقیق و بدیع برتلس به زمینه‌های یاد شده در بالا محدود نمی‌شود. مثلاً دیدگاه‌های او دربارهٔ ویس و دامین فخرالدین اسعد گرگانی و آثار سنایی و عنصری بسیار پرمایه و عالمانه است.

آقای سیروس ایزدی با ترجمهٔ این کتاب بسیار ارزشمند، که باید گفت با تأخیری در

حدود ۳۰ سال انجام پذیرفته است، به ادب فارسی خدمتی شایان کرده‌اند. نگارنده این سطور نیز مانند یکی از ناقدان جلد یکم کتاب، (سیدعلی آل داوود در نشر دانش، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴) بر این باور است که استفاده مترجم از شماری واژه‌های ناآشنای پارسی که برخی به تازگی گزینش شده و هنوز جا نیفتاده‌اند به روانی و یکدستی نثر ترجمه آسیب وارد آورده است. هرچند مترجم در دیباچه همین مجلد بدان نقد پاسخ گفته و به دفاع برخاسته‌اند. در اینجا بی آن که بخواهیم فهرستی از این واژه‌ها را به دست دهیم، تنها به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌کنیم. واژه ترا داده، که مترجم بارها و بارها (ص ۲۱، س ۱۹؛ ص ۴۵، س ۹؛ ص ۴۷، س ۳ و جاهای دیگر) به جای واژه سنت آن را به کار برده حتی برای بسیاری از دانشجویان زبان و ادبیات فارسی مهجور و نامأنوس است. لغزش‌های چاپی کتاب نیز اندک نیست و امید است ناشر در چاپ‌های بعدی در اصلاح آنها بکوشد.

□

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی